

۲۲.۵۵۴۶

باورهای بد

چرا افراد خوب به آن مبتلا می شوند؟

نویسنده: نیل لوی

مترجمین:

شهره مودی، ریحانه بی آزار، آمنه محمدی

سرشناسه: لوی، نیل، ۱۹۶۷ - م. Levy, Neil.

عنوان و نام پدیدآور: باورهای بد: چرا افراد خوب به آن مبتلا می‌شوند؟
نویسنده نیل لوی؛ مترجمین شهره مودی، ریحانه بی‌آزار، آمنه محمدی؛ ویراستار کاظم عابدینی مطلق.
مشخصات نشر: تهران: لوح محفوظ، ۱۴۰۱ / مشخصات ظاهری: ۲۸۸ ص.
شابک: 978-622-6330-53-4 / وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۵۹-۲۸۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت: عنوان اصلی: Bad beliefs: why they happen to good people, 2021.
موضوع: اشتباه‌های مرسوم / Common fallacies
شناسه افزوده: مودی، شهره، ۱۳۵۸-، مترجم / شناسه افزوده: بی‌آزار، ریحانه، ۱۳۶۲-، مترجم
شناسه افزوده: محمدی، آمنه، ۱۳۵۷-، مترجم
رده‌بندی کنگره: AZ۹۹۹ / رده‌بندی دیویی: ۰۰۱/۹۶ / شماره کتابشناسی ملی: ۸۸۶۶۸۱۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا



باورهای بد

چرا افراد خوب به آن مبتلا می‌شوند؟



نویسنده: نیل لوی

مترجمین: شهره مودی، ریحانه بی‌آزار، آمنه محمدی

ویراستار: کاظم عابدینی مطلق

○ ○ ○

ناشر: لوح محفوظ

نوبت - سال چاپ: اوّل - ۱۴۰۱ / قطع و شمارگان: رقعی - ۱۰۰ نسخه

صفحه‌آرایی: سهیلا گرته‌زاده

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۳۳۰-۵۳-۴ / 978-622-6330-53-4

کلیه حقوق این اثر محفوظ است



تهران: خیابان پامنار، کوچه بنی‌هاشمی، پلاک ۱۲. تلفن: ۳۳۹۰۳۳۷۲ - ۰۹۱۲۱۱۹۶۲۸۰

قم: خیابان صفاییه، کوچه ممتاز، پلاک ۶۳. تلفن: ۳۷۷۴۰۶۴۸

► https://t.me/lawh_mahfouz

قیمت: ۱۲۵۰۰۰ ریال

فهرست

۱۱	مقدمه: حیوانات اجتماعی منطقی، وحشی می‌شوند!
۲۳	کتاب: پیشگفتار

۳۳	فصل اول: در مورد اعتقاد چه چیزی را باید باور کنیم؟
۳۶	اعتقادات و باور
۴۳	آیا باید باور را باور داشته باشیم؟
۶۴	پاسخ گویا
۷۲	کسری حساب
۷۵	الف) کسری اطلاعات
۷۷	ب) حساب کسری

۹۵	فصل دوم: باور فرهنگ‌سازی
۱۰۲	انقلاب فرهنگی
۱۲۱	علم در مریخ
۱۲۶	برون سپاری و تغییر باور در دنیای واقعی

۱۳۵	فصل سوم: فراگیر بودن و عقلانیت باورهای برون سپاری شده
۱۴۳	چه گونه تصمیم خود را بسازید
۱۴۹	برون سپاری دین

۱۵۳	فصل چهارم: جرأت فکر کردن
۱۵۴	معرفت‌شناسی تنظیمی
۱۵۸	تلقین کردن فضایل
۱۶۱	ذهن باز به عنوان یک فضیلت معرفتی
۱۶۶	شک و تردید در تغییر اقلیم، انکار هولوکاست، و خیالات دیگر
۱۸۳	اختلاف در زمان کووید
۱۸۹	فصل پنجم: آلودگی معرفتی
۱۹۰	تازه‌کارها و منحصّمان
۲۰۱	شناسایی کارشناسان در محیط‌های آلوده
۲۰۹	اثر بخشی آلودگی معرفتی
۲۱۳	بازگرداندن اعتماد به علم
۲۲۳	فصل ششم: تلنگر خوب
۲۲۵	تکان دادن و خودمختاری
۲۲۹	ارائه شواهد و مدارک مرتبه بالاتر
۲۳۴	تلنگرها به عنوان مدرک
۲۴۴	درست‌ایش تلنگرها
۲۴۷	راه‌های عقب‌نشینی
۲۵۱	فصل پایانی: پس از همه حیوانات منطقی
۲۵۹	منابع و مآخذ

مقدمه

حیوانات اجتماعی منطقی، وحشی می‌شوند!

ما در زمانه‌ای جناحی (راست‌گرا و چپ‌گرا) زندگی می‌کنیم، طوری که از نظر سیاسی و ایدئولوژیک تقسیم شده‌ایم و به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی‌های ما منعکس‌کننده یا ناشی از باورهای متفاوت است.

ایالات متحده به اردوگاه‌های مختلفی تقسیم شده است که به عنوان مثال، به نظر می‌رسد باورهای بسیار متفاوتی در مورد اثربخشی «ماسک» در پیشگیری از سرایت کرونا وجود دارد. یک طرف از آنها حمایت از اقدامات احتیاطی معقولی در برابر گسترش کووید-۱۹ است؛ طرف دیگر، این کار را نقض ظالمه آزادی‌های مدنی می‌داند. ارزش ماسک تنها یکی از موضوعاتی است که راست و چپ را در مورد ویروس و خطرات آن تقسیم می‌کند. دو طرف در مورد منشأ ویروس در مورد توصیه محدودیت‌ها و مضر بودن بیماری هم اختلاف نظر دارند. کووید-۱۹ تنها آخرین جبهه در یک درگیری مداوم است که باورها را در مقابل باورها قرار می‌دهد، در حالی که علم کووید-۱۹ جوان است و جای شک دارد که آیا هر یک از طرفین حق اعتماد کردن بیش از حد به نظرات خود را دارند یا خیر! در بسیاری از مسائلی که ما را از هم

جدا می‌کند، شواهد در یک طرف کاملاً پایان یافته است. باورهای بد، باورهایی است که به نظر می‌رسد به شدت در تضاد با شواهد بسیار است. به نظر می‌رسد مخالفت با واکسیناسیون و آموزش، تکامل را تهدید می‌کند.

باورهای بسیار غلط، نقش اساسی در شکست جهان در مقابله با تغییرات آب و هوایی داشته است. تا همین اواخر، سیاست ایالات متحده در مورد تغییرات اقلیمی تحت تأثیر تفکرات رئیس جمهوری شکل می‌گرفت که فکر می‌کرد گرمایش جهانی یک فریب است! ایالات متحده به همراه استرالیا، برزیل و سایر کشورهایی که به وسیله منکران تغییرات آب و هوایی اداره می‌شوند، توانست تلاش‌های بین‌المللی برای مقابله با این مشکل را متوقف کند. جهان در حال حاضر در نتیجه‌ی سیاست‌های پادشده، بهای سنگینی پرداخت کرده است. کتاب حاضر، کتابی است در مورد باورها، خوب و بد و نیز در مورد نحوه تولید و چگونگی بهبود آنها.

معرفت‌شناسی کهن، زیرشاخه‌ی فلسفه است که مربوط به باورها و توجیه آنها می‌باشد. با این حال، تا همین اواخر معرفت‌شناسی مدرن بر مسائل نظری متمرکز بود. به طور خاص در تجزیه و تحلیل دانش چندان به سؤالات علمی که مدنظر من خواهد بود توجهی نداشته است. نگرانی من صرفاً تجزیه و تحلیل دانش نیست. بلکه با چگونگی کسب دانش مرتبط است و اینکه چه عواملی منجر به باورهای خوب و بد می‌شود. نمونه‌های اعتقادی من موارد غیر قابل بحثی که در بسیاری از مناقشات معاصر به چشم می‌خورد، نخواهد بود: مثل اینکه یکی از مأموران معتقد است دیگری صاحب ماشینی

با برندهای خاص است یا انباری در این اطراف وجود دارد!... در عوض نمونه‌های من مواردی هستند که بحث برانگیزند، اما در حقیقت نباید باشند: باورها در مورد تغییرات آب و هوایی انسانی، تکامل و ایمنی کارایی واکسن‌ها. این نمونه‌ها به این دلیل انتخاب شده‌اند که اتفاق نظری در میان کارشناسان در مورد این موضوعات وجود دارد، اما بسیاری از مردم دیدگاه کارشناسی را رد می‌کنند! آیا آنها در انجام این کار منطقی هستند؟ چه چیزی مخالفت آنها را توضیح می‌دهد؟ آیا باید سعی کنیم نظر آنها را تغییر دهیم و اگر چنین است، چگونه باید این کار را انجام دهیم؟ من از بعضی پاسخ‌های بحث‌برانگیز، به این سؤالات - در مورد باورهای بحث‌برانگیز - دفاع خواهم کرد. فیلسوفان تعاریف را دوست دارند، بنابراین قبل از ادامه اجازه دهید چند کلمه در مورد منظورم از «باورهای بد» بگویم. موارد زیادی وجود دارد که در آن باورها ممکن است بد باشد. یک باور ممکن است از نظر اخلاقی بد باشند (عقاید نژادپرستانه از این حیث بد است) من نگران بداخلاقی نیستم، بلکه به بدی از بُعد معرفتی می‌پردازم. این بدی در رابطه با این باور با شواهد و جهانی است که هدف را بازتاب می‌دهد.

بدی معرفتی، خود به اشکال گوناگون ظاهر می‌شود:

یکی از راه‌هایی که یک باور می‌تواند از نظر معرفتی بد باشد، نادرست بودن است. نمونه‌های اولیه‌ی من از باورهای بد و نادرست اینها هستند: انکار تغییرات آب و هوا، باورهای ضد واکسن، خلقت‌گرایی و غیره. اما همه باورهای نادرست به معنایی که من نگران آن هستم، باورهای بد نیستند. فکر نمی‌کنم خدا باوران از نظر

من معتقد به بدی باشم. آنها معتقد به بدی نیستند، زیرا من فکر می‌کنم که اعتقادات دینی می‌تواند عقلانی باشد. یک نفر متفکر که با شواهد موافق و مخالف خدا آشنا باشد، می‌تواند به طور منطقی نتیجه بگیرد که خدا وجود دارد. یک باور بد از نظر من، لزوماً یک باور نادرست نیست، اما یک باور ناموجه است. اگر مجموعه شواهد، همراه‌کننده باشد، یک باور حتمی می‌تواند باوری واقعی باشد، این هنوز برای مشخص کردن کافی نیست. با این حال، در نوع اعتقادی که من به آن توجه دارم، راه‌های مختلفی وجود دارد که تنها با یکی از آنها می‌توان ارتباط برقرار کرد.

یک باور ممکن است غیرقابل توجیه باشد، زیرا با توجه به شواهدی که به عنوان ملوک در دسترس است، پشتیبانی نمی‌شود. بدیهی است که این چیزها می‌توانند از هم جدا شوند. یک کارآگاه ممکن است به این نتیجه برسد که مظنون او فقط به دلیل پیش‌داوری گناهکار شناخته شده است و بنابراین (از یک جهت) بد باور می‌کند. حتی اگر همه شواهد موجود (از جمله، مثلاً گزارش پزشکی قانونی که او هنوز نخوانده است) واقعاً از این موضوع حمایت کند. در کل باورهای بد، به نظر من آنهایی نیستند که به طور ذهنی در این نوع موارد غیرقابل توجیه باشند. به تعبیر من، یک باور بد، اعتقادی است که:

الف) با باورهای مقامات معرفتی مربوطه در تعارض است.

ب) با وجود در دسترس بودن گسترده‌ی تمام شواهدی که باورهای دقیق‌تر یا دانش را پشتیبانی می‌کند، وجود دارد و به همین دلیل مقامات ذی‌ربط به آن اعتقاد دارند.

مقامات معرفتی مربوطه، آن دسته از افراد و مؤسسه‌ای هستند که

تکیه کنیم که در بیشتر مواقع به درستی کارها تمایل دارند. حتی اگر خودشان منطقی نباشند. ما تکامل یافته‌ایم تا تحت شرایطی عقلانی فکر کنیم. البته وقتی زمان و منابع فراوان باشد و انگیزه داشته باشیم که از آن منابع استفاده کنیم. این دیدگاه‌های تأثیرگذار، باورهای بد را با تمایل ما به تصمیم‌گیری با استفاده از روش‌های اکتشافی و میانبر توضیح می‌دهند که آنکا به آنها اجتناب‌ناپذیر است.

این کتاب از دیدگاه بسیار متفاوتی دفاع می‌کند. این کتاب استدلال می‌کند که باورهای بد محصول فرآیندهای کاملاً عقلانی و واقعی هستند. این فرایندها به این معنا عقلانی هستند که به شواهد و مدارک، پاسخ مناسبی می‌دهند. گفتن این جمله‌ها منطقی هستند، ولی به این معنا نیست که همیشه کارها را درست انجام می‌دهند. اگرچه، با توجه به پیوند بین شواهد و درست بودن شرایط، مکانیسم‌های عقلانی کارها را درست پیش می‌برد. اگر شواهد گمراه‌کننده باشند، فرآیندهای عقلانی مختل می‌شوند. اگر من در یک شهر خارجی گم شوم، به خاطر نقشه‌هایی که از دفتر گردشگری دریافت کرده‌ام و گاه با شوخی‌هایی دستکاری شده، سردرگمی حاصل می‌شود. سردرگمی من به خاطر نقض منطقی راهنماها نیست. در واقع من به گونه‌ای به اطلاعات دسترسی پیدا کرده‌ام و آنها را پردازش کرده‌ام که قابل انتقاد نباشد. با فرض اینکه هیچ دلیلی برای مشکوک شدن من به دستکاری وجود نداشته باشد، مشکل در ورودی‌های استدلال مسیریابی است، نه یک مسیر منطقی که برای کسب اطلاعات در پیش گرفته‌ام. به طور مشابه، من پیشنهاد می‌کنم که باورهای بد معمولاً به شکل قابل توجهی از طریق فرایندهای

استدلال عقلانی در کسانی که در نهایت بد باور می‌کنند، به وجود می‌آید. همان‌طور که ممکن است به دلیل دستکاری ورودی‌های مسیریابی من، راه خود را گم کنم، مردم نیز به دلیل دستکاری محیط معرفت ایشان گمراه می‌شوند.

یکی دیگر از مواردی که این کتاب از دیدگاه‌های آشنا تر فاصله می‌گیرد این است که به شدت بر فرایندهای اجتماعی در تولید دانش تأکید می‌کند. من استدلال خواهم کرد که دانش از کار معرفتی توزیع شده ناشی می‌شود. کار معرفتی توزیع شده در مکان، زمان و بین عوامل. علاوه بر این، دانشی که از این طریق تولید می‌شود، یک دارایی فردی نیست. این دانش در چندین عامل و حتی در سراسر محیط توزیع می‌شود. طبیعی و عقلانی است که کارگزاران ابزار معرفتی خود و یا نقشی را که خودشان در تولید دانش ایفا می‌کنند و حتی دانشی را که از این طریق تولید می‌شود درک نکنند. این فقط محدودیتی نیست که افرادی مانند من و شما مشمول آن هستیم. زیرا ما دانشمند نیستیم. دانشمندان به همان شیوه محدود هستند و باید محدود شوند. من استدلال می‌کنم کسانی که برای داشتن باورهای بد آمده‌اند، تقریباً به همان دلایلی باور بد را دارند که کسانی که باورهای خوب دارند! دلیلش این نیست که آنها غیر منطقی‌اند و ما هم نیستیم. به این دلیل است که ما به خلاف آنها به منابع و شواهد قابل اعتماد، اعتماد می‌کنیم. این احترام که ممکن است صریح یا ضمنی باشد، از هر دو طرف عقلانی است. با توجه به اینکه ما از نظر معرفتی حیوانات اجتماعی هستیم، عمدتاً از طریق احترام است که با جهان آشنا می‌شویم و دانش بیشتری تولید می‌کنیم.